

پَر

نور الهدیه لوت مری ماتیسین

ترجمہ: میمنت دا



سرشناسه: ماتسن، شارلوت مری، ۱۸۹۲ م. Matheson, Charlotte Mary

عنوان و نام پدیدآور: پر/ شارلوت مری ماتسن؛ ترجمه میمنت دانا.

مشخصات نشر: تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۲۰-۷-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

داشت: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.

شماره ثبت: ۱۲۸۹-، مترجم

رده‌بندی کنگ: ۱۳۹۱ پ ۴/۳ PZ

شماره ملی کتاب: ۳۳۴۷۹۵۱

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

نام کتاب: پر

نویسنده: شارلوت مری ماتسن

ترجمه: میمنت دانا

ویرایستار: سید محمد علی سیدی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۲۰-۷-۶

ناظر فنی چاپ: سید یاشار بنی هاشمی



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۷۹۷۳۸۷-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مقدمه چاپ ششم

رمان اول ترجمه من است. بیش از آنچه من انتظار داشتم مردم کتاب دوست مرا به خاطر این ترجمه شویق کردند و من جرأت دادم که دست به ترجمه‌های دیگر بزنم. عده‌ای به من خبر گرفتند که چرا نویسنده را آن طور که باید معرفی نکردم و از من خواستند که برای این کتاب بنویسم و اینکه که پر برای ششمین بار چاپ می‌شود. به خرامان به این خواسته جواب بدهم. ولی آنچه من اکنون می‌خواهم بنویسم درباره‌ی زندگی یا مرگ نویسنده و یا این که این کتاب به چند زبان ترجمه شده و نویسنده چه کتاب نوشته نیست؛ بلکه شرح ماجراها و دلهره‌هایی است که ترجمه این کتاب برای خود من داشته است.

«چطور شد که شما دست به ترجمه زدید؟» این سؤال است که از ابتدای انتشار کتاب پر و در عرض این چند سال اغلب از طرف دوست‌های روزنامه‌نگاران از من شده است. آنهایی که مرا می‌شناسند می‌دانند که تحصیلات و اشتغال من به قدری از عالم نویسندگی و ادب دور است که این اقدام را از طرف من غریب می‌دانند، حق هم دارند. دنیای پزشکی، بهداشت، طب پیشگیری، دلهره و سرو و زرد با پی‌ستار و بیمار کجا و ترجمه و نویسندگی کجا؟

محرك اصلی من برای ترجمه، خود کتاب پر بود. بعد از خواندن این کتاب چنان تحت تأثیر لطافت و دلنشینی آن واقع شدم که تا مدت‌ها در عالمی رویایی سیر می‌کردم و غمی سنگین اعصابم را تحت فشار قرار داده بود. به هر کار دست می‌زدم و به هر جا می‌رفتم شخصیت‌های کتاب پر مرا دنبال می‌کردند. «راجر دالتون» و عشق بی‌نظیر او، از خودگذشتگی اش، همان شخصیت ایده آلی بود که

هر زنی در عالم رویا نقش او را در اعماق قلب خود می‌کشد و زیبایی «ماویس» و هنر آسمانیش از آن نوع زیبایی و هنری بود که نفس در سینه حبس می‌کند و انسان را خیره می‌سازد.

من می‌خواستم راجر و ماویس را با دوستانم آشنا کنم، می‌خواستم این دو شخصیت متمایز و دوست داشتنی را به مردم هنر دوست و حساس معرفی نمایم. من نتوانستم نویسنده این کتاب را آن طور که شایسته است به مردم بشناسانم، چون کتاب پر وقتی به دست من رسید که مقدمه آن پاره شده بود و من موفق نشدم منبعی برای یافتن آن در شناساندن این نویسنده ظریف مرا یاری کند. بنابراین کوشیدم نویسنده را معرفی قهرمانان داستان با مردم آشنا کنم، ولی وقتی که قلم را با دو دلی و تردید به دست می‌گرفتم از این وحشت داشتم که نتوانم حق نویسنده را ادا نمایم. شهرت من نویسنده‌ای بزرگ برای کسانی که دست به ترجمه آثار آنان می‌زنند خود بزرگترین مشقت دلگرمی است، ولی اطلاعاتی که من از نویسنده داشتم فقط نام *Carl Matheson* بود که در ابتدای کتاب به چشم می‌خورد.

امروز که من این سطر را به یک مقاله چاپ ششم می‌نویسم قلبم آکنده از لطف و محبت دوستان دیده و نادیده‌هاست که مرا به خاطر ترجمه این کتاب تشویق کردند. یکی از آن دوستان نادیده‌ام آقای جلال یزبان هستند که نامه پر از لطف ایشان را در چاپ پنجم کتاب ملاحظه می‌فرمایم.

یکی از خوانندگان با ذوق عکس بسیار زیبایی پرت را بر کاغذ نازکی پیچیده و با پست برایم فرستاده که هنوز هم ناشناس می‌باشد. در دفتر دوستان بسیار عزیز و نزدیک من هدایای ظریفی به شکل پرت برایم تهیه و ارسال کردند.

یادآوری این گونه محبت‌ها به خاطر سپاسگزاری نیست. من می‌دانم که من از عهده ایفا بر نمی‌آید، ولی این لطف و بزرگواری‌ها نشان می‌دهد که خوانندگان محترم از نقایص و معایب ترجمه چشم پوشیده‌اند و شاید من نتوانسته‌ام به وسیله راجر و ماویس با قدرت پرت را بشناسم و جایی در دل خوانندگان برایش باز کنم.

میمنت دانا

پانزدهم بهمن ۱۳۸۸